

## چگونه فیلم سازی را شروع کردید؟

در سال ۲۰۰۲ در کابل دوره ای آموزشی فیلم برداری برای زنان وجود داشت که توسط مرکز رسانه ای و فرهنگی آئینه سازماندهی شده بود. من در این دوره آموزشی اشتراک ورزیدم که حدود بیست دختر دیگر نیز در آن حضور داشتند. بعد از این دوره آموزشی، اقدام به ساخت فیلم های مستند در رابطه با حقوق زنان در افغانستان کردیم.

## چرا تصمیم به ساخت فیلم گرفتید؟

دلیل اصلی این بود که بیشتر از پنج سال بود که در خانه مانده بودم. می خواستم که فیلم بسازم و مشکلات زنان افغانستان را به دوستانم نشان بدهم. مایل بودم که در مورد حقوق زنان فیلم بسازم و آنها را به سایر مردم نشان بدهم.

## شما در حال حاضر در مجموع فیلم سازی را کجا فرا می گیرید؟

گمان می کنم در حال حاضر چندین شرکتهای خصوصی تولید فیلم وجود دارند. ولی زیاد مطمئن نیستم که آیا این شرکتها فعالیتهای آموزشی دارند یا نه. حتی نمی دانم که آیا هنوز موسسه آئینه به زنان آموزش می دهد. ولی در سال ۲۰۰۴ این کار را می کردند، زمانی که من محصل بودم. به نظر من چندان امکانات یادگیری فیلم سازی در افغانستان وجود ندارد. فکر می کنم دیپارتمنت تلوزیون در دانشگاه کابل وجود دارد. ولی بعید می دانم چیزی در مورد فیلم وجود داشته باشد. احتمالاً شرکتهای خصوصی ممکن است به تدریس علاقه مند باشند.

## در مقایسه با دانشگاه و شرکتهای خصوصی، موسسه آئینه چه نقشی را در آموزش فیلم داشته است؟

موسسه آئینه مسئولیت آموزش روزنامه نگاران افغانی در رسانه های گروهی را بر عهده داشت: در ویدیو، عکاسی و رسانه های چاپی. آنها همچنین در آن زمان یک ایستگاه رادیویی در موسسه آئینه داشتند. هدف اصلی این بود که به روزنامه نگاران افغانی کمک شود تا بتوانند مستقل شوند و آموزشهای لازم را فرا گیرند. به نظر من موسسه آئینه با این فعالیت بسیار خوب و مفیدی، شروع بسیار خوبی داشته است. منظورم این است که ما اولین فیلم برداران زن در افغانستان بودیم. در آن زمان، آنها همکاریهایی را با موسسه افغان فیلم داشتند و چندین فیلم آموزشی و تعلیمی را به کمک سایرین برای سینمای موبایل (سیار) ساختند. آنها همکاریهای دیگری نیز با سایر رسانه ها داشتند. ولی هم اکنون مطلع نیستم که آیا موسسه آئینه به همان اندازه ای که من در آن زمان آنجا آموزش می دیدم، مرکز آموزشی است یا نه.

## چه امکاناتی برای زنان در افغانستان وجود دارد تا بتوانند فیلم سازی را بیاموزند؟

کار آسانی نیست. شما خوب مطلع هستید که سالهای متمادی در افغانستان جنگ وجود داشت و مردم کمی نسبت به فیلم سازی نا آشنا و بی اطلاع هستند. مشکلات زیادی وجود دارد. آنها این کار را قبول نمی کنند. به خاطر این است که زمانی که شروع به کار کردم مردم، مثلاً مردها، وقتی من را با دوربین در سرکها می دیدند، احساس می کردند که مورد تهدید قرار گرفته اند. بعضی از آنها حتی مسخره می کردند و در مورد آن همیشه فکاهی می ساختند. ولی این کار زمان لازم دارد. شما خوب می دانید که چیزهایی وجود دارد که باید به خاطر آنها مبارزه کرد و فکر می کنم که من هم یکی از آن زنان هستم که با این مشکلات مواجه است و سعی می کند که به آن چیزی که مردم در مورد من شنیده اند را نادیده بگیرد. من فقط همان کاری را که می توانستم انجام دادم. باید قوی و نیرومند باشی و راه خود را ادامه بدهی. ولی کماکان بر این باورم که به مرور زمان، همه چیز تغییر خواهد کرد. آخرین باری که در سال ۲۰۰۸ در افغانستان بودم، دیدم که تعداد زیادی ایستگاههای تلوزیونی در افغانستان احداث شده است و زنان در این تلوزیونهای برنامه هایی را تولید می کردند و همچنین فیلم سازان زن را نیز دیدم. به نظرم این کار در حال آسان شدن است و لی نه زیاد آسان.

## چه فیلم هایی برای شما حائز اهمیت بود و چگونه فیلم سازی را یاد گرفتید؟

در کارهایم تحت تاثیر هیچ فیلمی قرار نگرفته بودم. نمی دانم چرا، ولی همیشه این در ذهنم بود که من روزی مستند ساز خواهم شد و فیلمهایم فقط در مورد زنان خواهد بود.

## منظور شما این است که حتی در طول سالهای اخیر که در فینلاند بودید، هیچ فیلمی وجود نداشت که برای شما مهم باشد؟

همیشه فیلم ۵ عصر از سمیرا مخملباف را تمجید می کردم. زمانی که در افغانستان بودم این فیلم را تماشا کردم و واقعا آن را دوست داشتم. داستان اینگونه بود که زن قصد داشت تا رئیس جمهور افغانستان شود و در فیلم وانمود کرد که رئیس جمهور شده است.

## چگونه فیلمی را که خودتان در حال حاضر ساختید توصیف می کنید؟

مایل هستم که کار مستند سازی را ادامه دهم. نمی دانم تا کی. قصد دارم چند کار داستانی هم انجام بدهم. داستانهای زیادی را در واقعیت فرهنگ خودمان می بینم که واقعا برایم دلچسب هستند و از آنها خوشم می آید. ولی در حال حاضر نمی توانم این کار را انجام بدهم، چرا که مردم مایل نیستند که در این کار تشریک مساعی بکنند. ولی همیشه فکر کردم که روزی خواهم توانست کارهای داستانی انجام بدهم.

## چگونه هزینه مالی فیلم های خود را تهیه می کنید؟

آخرین فیلمی را که در سال ۲۰۰۸ ساختم، زکیه تحمل کرد، یونسکو تنها مراحل پس از تولید را حمایت مالی کرد. ولی فیلمی که قبل از آن ساخته بودم، دختری از کابل، به طور مستقل با پول خود انجام دادم. هیچ کس در این رابطه از من حمایت نکرد. طبعاً دوربین مکتبی که در آن تحصیل می کردم را استفاده کردم.

## فیلم خود را برای چه کسانی می سازید؟

زنان و مردان، برای همه. اواخر، هر فیلمی که ساختم، امکان پخش و نمایش آن در داخل افغانستان نبود. کسانی که در این فیلم نقش داشتند نمی خواستند که فیلم در داخل افغانستان نمایش داده شود چرا که آنان در مورد مشکلاتشان صحبت کرده بودند. اگر این فیلمها در افغانستان نمایش داده شود، آنان را در معرض خطر قرار خواهد داد. لذا، اکثریت مخاطبان من غربی هستند.

## فیلم های شما کجا نمایش داده می شوند؟

فیلمهایم در چندین جشنواره به نمایش گذاشته شده اند. ولی هنوز در هیچ شبکه تلویزیونی نمایش داده نشده اند.

## عکس العمل مخاطبان چگونه بود؟

مخاطبان بسیار به من افتخار می کردند. تمامی فیلمهایم برایم مهم هستند، و برایم مهم نیست که آیا آنها را مستقلاً ساخته ام یا نه، چرا که همه آنها حاوی پیامهای مهمی هستند. به نظرم مخاطبان بسیار خرسند بودند که کارهای مرا ببینند و از کار من شگفت زده شده بودند.

## آیا دریافت و استنباط از فیلم های شما در افغانستان و فینلاند متفاوت بود؟

البته که فرق داشت. فرق بسیار فاحشی در دریافت تماشاچیان در کابل و اینجا وجود دارد. اگر فیلم دختری از کابل را در افغانستان به نمایش بگذارم، کسی از آن استقبال نخواهد کرد و کسی هم از من حمایت نخواهد کرد. آنها فکر می کنند که هیچ مشکل و مساله ای با موقعیت و شرایط فعلی که من در فیلم نشان دادم وجود ندارد. فکر می کنند که این بخشی از فرهنگ آنان است و باید همانگونه باشد.

## آیا در برداشتهای خارج از کشور نیز تفاوتی وجود داشت؟

بله، عکس العملهای متفاوتی وجود داشت. ولی من در همه مکانهایی که فیلم هایم به نمایش گذاشته شده حضور نداشتم تا ببینم مردم چگونه واکنش نشان می دهند. اینجا مردم بسیار علاقه مند بودند که بیشتر در مورد افغانستان بدانند. آنها همچنین می خواهند بدانند که مردم چگونه در افغانستان کار می کنند - چگونه این کار امکان پذیر است و یا چرا این کار غیر ممکن است؟

## بازارهای داخلی و بین المللی چه نقشی را برای شما، دوستانتان و همکارانتان در افغانستان ایفا می کنند؟

زمانی که در سال ۲۰۰۸ در افغانستان بودم، شنیدم که شرکتی وجود دارد که از فیلم رویا حمایت می کند. فکر می کنم که این کار برای او بسیار حائز اهمیت است چرا که این کار به او این توانایی را می دهد که کاری را که مایل است انجام دهد. به نظرم برای سایر فیلم سازان افغانستان نیز بسیار مهم است که خارج از افغانستان بروند و با فیلم سازان دیگری ملاقات کنند و با آثار سایر فیلم سازان آشنا شوند. همچنین کار بسیار خوبی است که فیلم های خارجی در جشنواره های داخلی افغانستان به نمایش گذاشته شوند و در نتیجه نه تنها فیلم سازان بلکه سایر مردم نیز فرصت تماشای اینگونه فیلم ها را پیدا خواهند کرد.

## چرا تصمیم گرفتی که به فینلاند بروی؟

من در سال ۲۰۰۴ به فینلاند آمدم تا به عنوان دانشجو در شرکت فینلاندی پخش به نام (YLE) شروع به کار کنم.

در حال حاضر شما در حال ختم تحصیلاتتان در رشته رادیو، تلویزیون و تولید فیلم مستند در کالج نورث کارلیان در اوتوکومپو هستید. قصد دارید بعد از ختم تحصیلاتتان چه کار کنید؟

قصد دارم که تحصیلاتم را تا مقاطع بالاتر در این رشته ادامه دهم. بعد از آن شاید فیلم و کارهای خاص خودم را برای شرکتها تلویزیونی تولید بسازم.

## در طول فیلم برداری کارتان در سال ۲۰۰۸ با مشکلات جدی رو به رو شده بودید. چه اتفاقی افتاد؟

من به افغانستان رفتم که نیمه دوم کارمستندی را که در سال ۲۰۰۴ انجام داده بودم را به اتمام برسانم. چهار زن در این فیلم مستند حضور داشتند. یکی از این زنان به قتل رسید. به سراغ خانواده آن زن و چند نفر دیگر رفتم تا بفهمم که چه اتفاقی برای آن زن افتاده است و چگونه. بعد از آن اخطارهای زیادی دریافت کردم که نباید چیزی در مورد این زن بسازم. آنها از من خواستند که این موضوع را تعقیب نکنم و دیگر سراغ خانواده آن زن نروم.

## آیا هم اکنون می توانید به افغانستان بازگردید؟

در حقیقت نه، چرا که مشکل فقط این اخطارها نبود. زمانی که من هنوز آنجا بودم، این موضوع بسیار جدی شده بود و در هفته آخر اقامتم در افغانستان، با مشکلات زیادی مواجه شدم. حتی بسیار مشکل بود که از افغانستان خارج شوم. به نظرم در

حال حاضر، حداقل برای چند سالی، نمی توانم به افغانستان باز گردم. و این موضوع صرف در مورد خودم نیست. هم اکنون به نظر می رسد که خانواده ام نیز درگیر این موضوع شده اند.

آیا این به این معنا است که شما مجبور هستید موضوع کارهای خود را تغییر دهید؟

فعلاً اینگونه به نظر می رسد. من به کار خود با زنان افغانستان ادامه می دهم. شاید در مورد زندگی زنان افغانستان در خارج از کشور کار کنم.

شکیبا عدیل، اوتوکومپو (فینلاند) ۲۲ جنوری ۲۰۰۹